

رفتارشناسی امام جواد (ع) با موالی و بردگان

هادی وکیلی^۱

لیلا نیک‌آیین^۲

چکیده

رسم برده‌داری با سابقه‌ای دیرین، در شبه‌جزیره، در عصر جاهلی امری متداول بود. برخورد اسلام با پدیده اجتماعی بردگی، مبارزه با این سنت غلط از طریق دادن راه‌کارهایی برای حذف تدریجی آن بود. با افزایش تعداد اسرا در پی سیاست فتوحات توسط خلفا، برده‌داری رشد کرد و سران مسلمانان، برخوردهای متفاوتی با این موضوع از خود نشان دادند. در این میان، امام جواد (ع) در عصر خلفای عباسی، درصدد برآمدند تا با راه‌کارهای نظری و عملی خویش، در جهت ارتقاء جایگاه گروه بردگان و موالی در جامعه تلاش نمایند.

این نوشتار، بر آن است تا نشان دهد که آن حضرت، چه دیدگاهی نسبت به مسأله بردگی و بردگان داشته‌اند و راه‌کارهای عملی و نظری ایشان در این باره چه بوده است. این‌کار به روش تاریخی، با اسلوب توصیفی و تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام شده است.

واژگان کلیدی: اسلام، امام جواد (ع)، بردگان، سیره نظری، سیره عملی.

ص: ۳۵۸

مقدمه

دین اسلام هنگامی ظهور کرد که پدیده برده‌داری با سابقه طولانی در میان ملل مختلف جهان رایج بود. در این زمینه، اسلام با اقدامات حکیمانه و عادلانه خود، به مبارزه با سنت غلط برده‌داری برخاست. پس از رحلت پیامبر (ص)، در دوره خلفای سه‌گانه، با افزایش فتوحات، تعداد اسیران و در نتیجه بردگان در جامعه اسلامی زیاد شد؛ سیاستی که در

^۱ . دانشیار گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد.

^۲ . کارشناس ارشد تاریخ تشیع، دانشگاه فردوسی مشهد.

عصر خلفای اموی و عباسی نیز ادامه یافت. در این میان امام جواد (ع)، در دوره عباسی و هم‌زمان با حکومت مأمون و معتصم قرار گرفتند که در این دوره شاهد افزایش تعداد بردگان هستیم. در این وضعیت، آن حضرت به عنوان جانشین و احیاگر سنت نبوی، به قشر محروم بردگان و موالی توجه خاص خود داشتند. این نوشتار، رابطه امام جواد (ع) و بردگان را بررسی خواهد کرد.

بردگی در اسلام

برده به شخصی اطلاق می‌شد که به عللی آزادی خود را از دست می‌داد و از برخی مزایای فردی و اجتماعی خود محروم می‌گشت و به دنبال، آن تابع اراده فرد دیگری قرار می‌گرفت.^۳ لفظ رایج برده در زبان عربی برای جنس مذکر، «عبد» است و برای برده‌زن لفظ «امه» به‌کار می‌رود.^۴ برده‌داری سابقه طولانی در میان ملل و اقوام کشورهای جهان باستان داشت. بردگی در شبه‌جزیره نیز قبل از ظهور اسلام امری متداول به شمار می‌آمد و سیستم اقتصادی حاکم بر شبه‌جزیره، مبتنی بر برده‌داری بود.^۵ با وجود این اسلام از همان ابتدا، به مقابله با بی‌عدالتی و تبعیض‌نژادی موجود در جامعه نسبت به این گروه پرداخت و همه افراد را برابر خواند؛ ولی با توجه به استحکام ریشه‌های بردگی در جامعه، پیامبر (ص) نمی‌توانستند به مبارزه فوری با بردگی اقدام کنند.^۶ لذا اسلام در کنار

ص: ۳۵۹

سایر فعالیت‌های فکری و فرهنگی، اقدامات عملی وسیعی در جهت ریشه‌کن کردن تدریجی نظام برده‌داری انجام داد و مانع به بردگی گرفتن افراد آزاد به سبب فقر، بدهکاری، ربوده شدن، قمار و عوامل متعدد دیگر شد؛ ولی بردگی را به اسارت در جنگ و تولد کنیز زادگان محدود نمود.^۷

پیامبر (ص) پس از آغاز رسالت، با نظام اجتماعی برده‌داری در جامعه عرب مخالفت کردند و با اقداماتی نظیر ازدواج با کنیزان^۸ و آزادی بردگان، دنبال تغییر افکار و دید جامعه اسلامی نسبت به این گروه بودند.^۹ پس از رحلت آن حضرت،

^۳ . ایرجی، بردگی در اسلام، ص ۱-۲.

^۴ . همان.

^۵ . ابوزیدآبادی، بردگان از جاهلیت تا اسلام، ص ۱۱۴-۱۱۰.

^۶ . قربانی، اسلام و حقوق بشر، ص ۲۰۹-۲۰۷.

^۷ . بردگان از جاهلیت تا اسلام، ص ۱۳۰-۱۲۹.

با پی‌ریزی سیاست فتوحات توسط خلفا، اسیران فراوانی وارد جامعه اسلامی شدند و زمانی نگذشت که تعصبات جاهلی دوباره در جامعه رواج یافت. در میان سه خلیفه اول، ابوبکر به سنت‌های پیامبر (ص) وفادارتر از دیگران بود، ۱۰ اما خلیفه دوم ۱۱ و سوم، ۱۲ با اقدامات خود بار دیگر تفکر جاهلی قوم‌گرایی و همچنین برتری جویی‌های عرب بر غیرعرب را زنده نمودند.

با روی کار آمدن بنی‌امیه، به واسطه فتوحات، اسرا و موالی (بردگان آزاد شده) زیادی وارد سرزمین‌های اسلامی گردیدند که به واسطه تحقیر و آزار این گروه به وسیله امویان، آنان با نهضت‌های ضد خلافت اموی همراه شدند و سرانجام نیز به عمر این حکومت پایان دادند.

با روی کار آمدن عباسیان، جایگاه گروهی از بردگان در جامعه بهتر شد، ولی تعدادی دیگر از این قشر همچنان در اوضاع نامساعدی به سر می‌بردند که این امر در ادامه، به اعتراض و شرکت آنان در قیام‌هایی مانند قیام زنگیان انجامید. ۱۳ امامان اول تا هشتم در مدت روی کار آمدن حکومت‌های اموی و عباسی، همواره

ص: ۳۶۰

به قشر محروم بردگان توجه می‌نمودند و از آنان حمایت می‌کردند. این گروه نیز با پی‌بردن به جایگاه امامان و به حق بودن آنان در موقعیت‌های مختلف، از آن بزرگواران حمایت می‌نمودند.

امام جواد (ع) و بردگان

بعد از پیامبر اکرم (ص)، امامان معصوم به عنوان جانشینان بر حق آن حضرت، در جهت احیای سیره نبوی و اجرا نمودن اسلام ناب در جامعه تلاش نمودند. در دوره خلفای سه‌گانه و در سلسله ملوکیتی بنی‌امیه و بنی‌عباسی، موانع فراوانی

^۸. طبری، تاریخ الأمم و الملوك، ج ۳، ص ۱۶۹.

^۹. واقدی، المغازی، ج ۱، ۴۱۱-۴۱۰؛ ابن‌اثیر، الكامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۱۳۸۵. ۱۹۱.

^{۱۰}. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ۱۳۷-۱۳۶.

^{۱۱}. همان، ص ۱۵۳؛ دینوری، اخبار الطوال، ۱۳۹-۱۱۳.

^{۱۲}. واقدی، المغازی، ج ۲، ص ۵۲۳.

^{۱۳}. ابن‌اثیر، الكامل، ج ۷، ص ۲۱۱-۲۰۵.

برای پیشبرد مقاصد انسانی و الهی امامان وجود داشت، اما آن بزرگواران، با راهکارهای نظری و عملی خود، در جهت حذف تدریجی بردگی و بهبود وضعیت این گروه در جامعه اسلامی گام برداشتند.

امام جواد (ع) پس از شهادت امام رضا (ع) در هشت سالگی به امامت رسیدند. دوره امامت آن حضرت هم‌زمان با دو خلیفه عباسی (مأمون و معتصم) بود. آن حضرت در این دوره، به دلیل نظارت شدید حکومت بر امام، نمی‌توانستند اقدامی اساسی در جهت بهتر شدن وضعیت گروه بردگان انجام دهند. با وجود این، برخی از فعالیت‌های امام در جهت رسیدن به این هدف ارزشمند صورت می‌گرفت. این فعالیت‌ها، از دو جنبه بررسی می‌شود:

الف) سیره نظری

امام جواد (ع) همواره با پندها و موعظه‌های خویش، سعی در ارشاد مردم داشتند. یکی از زمینه‌هایی که امام در سخنان خود همواره بر آن تأکید می‌نمودند، بیان این مسأله بود که انسان‌ها بر حسب نژادشان، بر دیگری برتری ندارند و تفاوتی از حیث نژاد انسانی، میان افراد جامعه از جمله یک برده و مولایش نیست؛ از جمله:

۱.

«الشَّرِيفُ كُلُّ الشَّرِيفِ مِنْ شَرَفِهِ عَمَلُهُ؛

با شرافت‌تر از همه شریف‌ها، کسی

ص: ۳۶۱

است که شرفش به واسطه عمل او باشد.» امام شرافت و برتری افراد را به واسطه اعمال آنان می‌دانند، نه به سبب نژاد و نسبی که به آن فخر بفروشند. ۱۴

۳.

«أَسْأَلُهُ عَنِ الْمَمْلُوكِ يَحْضُرُهُ الْمَوْتُ فَيَعْتِقُهُ الْمَوْلَى فِي تِلْكَ السَّاعَةِ فَيَخْرُجُ مِنَ الدُّنْيَا حُرًّا فَهَلْ لِمَوْلَاهُ فِي ذَلِكَ أَجْرٌ أَوْ يَتْرُكُهُ فَيَكُونُ لَهُ أَجْرُهُ إِذَا مَاتَ وَهُوَ مَمْلُوكٌ فَكَتَبَ إِلَيْهِ يَتْرُكُ الْعَبْدَ مَمْلُوكًا فِي حَالِ مَوْتِهِ فَهُوَ أَجْرٌ لِمَوْلَاهُ وَ هَذَا عِتْقٌ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ لَيْسَ بِنَافِعٍ لَهُ.»

۱۴. اربلی، کشف الغمّة، ج ۲، ص ۸۶۳؛ شبلنجی، نورالابصار، ص ۳۲۲.

آن حضرت در پاسخ این سؤال که اگر برده‌ای رو به مرگ را آزاد کنند یا وی را در همان حال بردگی رها نمایند تا بمیرد، فرمودند: «آزادی در حال مرگ برای او سودی ندارد»^{۱۵}. به نظر می‌رسد امام با این سخن، تذکر داده‌اند که زودتر از این زمان و هنگام حیات بردگان به فکر آزادی این گروه باشید.

۳.

«الناس اخوان، مردم برادر یک‌دیگرند»^{۱۶}.

می‌توان گفت امام با برادر خواندن افراد، هرگونه برتری نژادی و اجتماعی آنان را رد می‌کنند.

(ب) سیره عملی

امام جواد (ع) با وجود آن‌که از نظر نسب و جایگاه اجتماعی، داماد خلیفه بودند و در مرتبه والایی قرار داشتند و بر حسب ظاهر، ایشان را از طبقات بالای جامعه می‌دانستند، همواره به فکر طبقات پایین بودند و با آن‌ها نشست و برخاست می‌کردند.^{۱۷} بردگان و موالی، یکی از این طبقات بودند که امام با فعالیت‌های مختلف خود، برای بهبود وضعیت آن‌ها در جامعه تلاش می‌کردند. برخی از تلاش‌های ایشان عبارت بودند از:

۱. بالا بردن موقعیت بردگان

امام جواد (ع) با اقداماتی، موجبات بالا رفتن موقعیت بردگان را در جامعه

ص: ۳۶۲

فراهم کردند. و همیشه به این قشر توجه داشتند. فردی به محضر امام آمد و آن حضرت از خدمت‌کاران خواست که برای وی غذا بیاورند و پس از آوردن غذا، آن حضرت از میهمان خواستند تا در کنار او غذا بخورند.^{۱۸} هم‌چنین امام، کنیزی

^{۱۵}. کلینی، گزیده کافی، ج ۵، ص ۳۳۴.

^{۱۶}. اربلی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۸۶۳.

^{۱۷}. صلواتی، زندگانی و دوره امام محمدتقی (ع)، ص ۴۷۱.

^{۱۸}. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۸۸؛ راوندی، الخرائج الجرائح، ج ۱، ص ۳۸۹.

را که به شدت دچار درد پا بود و پزشکان از درمان وی عاجز بودند، به حضور پذیرفتند و با قرار دادن دست خویش بر محل درد، مرض وی را درمان کردند.^{۱۹} این گونه اقدامات، به تغییر دید و توجه مردم نسبت به گروه بردگان می‌انجامید.

۲. ایجاد احساس امنیت برای بردگان

امام جواد (ع) با کمال تواضع، با بردگان در جامعه برخورد می‌نمودند و این گروه از حضور در نزد ایشان احساس آرامش و امنیت می‌کردند؛ آرامشی که موجب می‌شد آن‌ها داوطلبانه به حضور آن حضرت برسند و خواهان خدمت به ایشان باشند. شخصی از ارادتمندان امام، غلامی نزد خویش داشت که وی علاقه زیادی به حضور و خدمت‌گزاری در نزد آن بزرگوار نشان می‌داد. وی از ارباب خویش درخواست کرد که او را برای خدمت به ایشان معرفی کند. هنگامی که ارباب با وی به حضور امام رسیدند، ایشان بدون بیان مطلبی، خطاب به غلام خود فرمودند تا وی را جزء هم‌کاران خود قرار دهد.^{۲۰} هم‌چنین زمانی که خدمت‌کار امام رضا (ع) پس از مدتی به حضور آن حضرت رسید، از مشاهده هیبت ایشان ترسی در وجودش پیدا شد، به گونه‌ای که مسیر رفتن به نزد ایشان را فراموش کرد. امام با مشاهده این وضعیت، مسیر آمدن را به وی نشان دادند. وی به محضر ایشان رسید و با گرفتن دست حضرت، به آرامش رسید.^{۲۱} این مسأله به خوبی نشان می‌دهد که بردگان، امامان را تکیه‌گاه محکمی می‌دانستند که در محضر این بزرگواران به آسایش می‌رسیدند.

ص: ۳۶۳

۳. تعلیم و تربیت بردگان

امام در دوران امامت خویش، با وجود محدودیت‌های تحمیلی دستگاه حکومت بر ایشان، در کنار نشر و تبلیغ مکتب تشیع، با شیوه‌های گوناگون، به مسأله تربیت شاگردان نیز توجه ویژه‌ای داشتند. گروهی از شاگردان، بردگان بودند که امام نقش مهمی در بالندگی علمی و معنوی این گروه داشتند؛ برخی از این شاگردان عبارت بودند از:

۱- ۳- ایوب بن نوح بن دراج نخعی، ۲۲ مولى نخع؛ ۲۳

^{۱۹}. همان، ص ۳۷۶؛ بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۴۷-۴۶.

^{۲۰}. مفید، ارشاد، ج ۲، ص ۲۹۳؛ بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۴۲-۴۱.

^{۲۱}. همان، ص ۱۰۶.

^{۲۲}. رجال نجاشی، ص ۱۰۲.

۲-۳- ابراهیم بن شیبۀ اصبهانی از وابستگان بنی اسد؛ ۲۴

۳-۳- احمد بن محمد بن بندار قمی، مولای ربیع اقرع؛ ۲۵

۴-۳- صفوان بن یحیی بیاع سابری، مولای بجلیه؛ ۲۶

۵-۳- حسن بن راشد بن علی بغدادی، مولای آل مهلب؛ ۲۷

۶-۳- ابوطالب عبدالله بن صلت قمی از بستگان ربیع؛ ۲۸

۷-۳- بندار، مولای ادريس؛ ۲۹

۸-۳- احمد بن محمد بن عمرو ابن ابی نصر زید کوفی، مولای سکون؛ ۳۰

۹-۳- موسی بن عمر بن یزید کوفی از غلامان منصور؛ ۳۱

۱۰-۳- محمد بن سنان زاهری، مولای عمرو بن حمق خزاعی. ۳۲

همان طور که گذشت، امام جواد (ع) به مسأله تعلیم و تربیت غلامان

ص: ۳۶۴

و موالی خود اهمیت می دادند؛ به گونه ای که زمینه رشد علمی و دینی آنان را فراهم می کردند. به گفته راوندی، یکی از کنیزان امام جواد (ع) گوسفندی داشت که آن را گم کرده بود. وی ابتدا به همسایه های خود شک نمود و تعدادی از آنان

۲۳. رجال طوسی، ص ۳۷۳.

۲۴. همان.

۲۵. همان.

۲۶. رجال برقی، ص ۵۵.

۲۷. رجال طوسی، ص ۳۷۵.

۲۸. همان، ص ۳۷۶

۲۹. رجال برقی، ص ۵۷.

۳۰. رجال طوسی، ص ۳۷۳.

۳۱. همان، ص ۳۷۸.

۳۲. رجال برقی، ص ۵۷.

را گرفت و به خدمت آن حضرت آورد. ایشان با دیدن این صحنه فرمودند: «آنان را رها کنید که کاری انجام نداده‌اند! گوسفند شما در فلان خانه است». هنگامی که وی به آن خانه رفت، صاحب‌خانه را گرفت و به حضور امام آورد. امام دزدی وی را رد کردند و از تهمت زدن بدون آگاهی کنیز خود ناراحت شدند و به وی فرمودند: «شما به او ظلم کردید؛ زیرا گوسفند، خود وارد خانه او شده بود». ۳۳ هم‌چنین غلام امام با ایشان در خارج از منزل مشغول خوردن غذا بود. غلام پس از اتمام غذا، خواست نان‌ها و خوراکی‌های باقی مانده را جمع کند که آن حضرت به وی فرمودند: «هر زمان در بیابان غذایی خوردید، آن‌چه را باقی ماند، جمع نکنید اگرچه یک ران گوسفند باشد». ۳۴

امام جواد (ع) گاه برای هدایت بردگان و غلامان خود به مسیر درست، با نشان دادن کرامتی، آنان را از شک درمی‌آوردند؛ برای مثال، وقتی متوجه شدند یکی از خدمت‌کاران در اعتقادات خود به امامت آن حضرت دچار تردید شده، در حالی که وی در حال نگاه کردن به امام بود، ناگهان مشاهده کرد، بدن آن بزرگوار به گونه‌ای غیرعادی بزرگ شد و تمام فضای اتاق را فراگرفت و رنگ چهره ایشان دگرگون گردید. پس از گذشت اندک زمانی، از پیکر ایشان کاسته شد و چهره ایشان به همان رنگ ابتدای خود بازگشت. غلام با دیدن این کرامت، بی‌اختیار به سجده افتاد. ۳۵

رفتار متقابل بردگان

همان‌گونه که امام جواد (ع) به حمایت از غلامان و موالی می‌پرداختند،

ص: ۳۶۵

آن‌ها نیز سعی می‌نمودند به گونه‌ای از اقدامات آن حضرت قدردانی نمایند و عشق و ارادت خود را به ایشان ثابت کنند. برای مثال، میمون غلام محمد بن حسن ابی‌خالد، هنگام مرگ وصیت کرد تا همه اموال و آن‌چه را که متعلق به اوست، بفروشد و به حضور آن بزرگوار بفرستد. ۳۶ به نظر می‌رسد غلامان و موالی امام، با حضور در کنار آن حضرت و حمایت خویش از ایشان، دنبال جبران گوشه‌ای از اقدامات و پشتیبانی‌های امام از این قشر محروم بودند.

۳۳. راوندی، الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۳۷۶؛ بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۴۷.

۳۴. همان، ص ۳۸۹؛ همان، ج ۵۰، ص ۸۸.

۳۵. ابن‌شهر آشوب، مناقب، ج ۴، ص ۳۸۷؛ بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۵۵.

۳۶. بروجردی، الجامع‌أحادیث، ج ۲۴، ص ۳۸۰.

پدیده اجتماعی برده‌داری با سابقه‌ای طولانی، در نقاط مختلف جهان متداول بود و مقارن با ظهور اسلام در شبه‌جزیره نیز وجود داشت. اسلام تحولی اساسی در وضعیت گروه بردگان ایجاد نمود و با راه‌کارهای مؤثر، زمینه حذف تدریجی برده‌داری را در جامعه فراهم ساخت. در این میان با رحلت پیامبر (ص) و در دوره خلفا، بردگان و موالی از حقوق خود تا حدودی محروم گردیدند؛ محرومیت و ظلمی که در دوره بنی‌امیه به اوج خود رسید و موالی بیش‌ترین ضربه را از نظر اجتماعی متحمل گردیدند؛ لذا در جنبش‌های ضد اموی وارد شدند که این امر، تأثیر زیادی در زوال سلسله مذکور و روی‌کار آمدن عباسیان داشت. در دوره خلافت عباسی و امامت امام جواد (ع)، آن حضرت با وجود موقعیت خود به عنوان داماد خلیفه، به دلیل تحت‌نظر بودن از سوی حکومت، نمی‌توانستند اقدامی اساسی برای گروه بردگان انجام دهند؛ اما در حد امکان، با اقداماتی که در جهت اجرا نمودن اسلام ناب و زنده کردن سیره نبوی صورت می‌گرفت، سعی در اصلاح، تعلیم و تربیت و آزادسازی گروه بردگان نمودند. در مقابل نیز تعدادی از از گروه، با مشاهده اقدامات ایشان، به برحق بودن راه و هدفشان پی بردند و گرایش شیعی یافتند و در هر موقعیتی در کنار امامان خود می‌ماندند. چنان‌که برخی از بردگان، با صرف داریی خود در راه ایشان، از تلاش‌های این بزرگوار قدردانی می‌کردند.

ص: ۳۶۶

منابع

- ابن اثیر، عزالدین علی، الکامل فی التاریخ، بیروت: دارصادر، ج ۴ و ۶، ۱۳۸۵ ش.
- ابن شهر آشوب، المناقب آل ابی طالب، قم، علامه، ج ۴، ۱۳۷۹ ش.
- ابن عبدربه، ابی عمر احمد بن محمد، عقد الفرید، تصحیح محمد امین، چاپ دوم، ج ۳، قاهره، دارالکتاب العربی، ۱۳۷۲ ش.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، مصحح احمد فارس صاحب الجوائب، ج ۱۵، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ ق.
- ابوزیدآبادی، عبدالرضا، «بردگان از جاهلیت تا اسلام»، تاریخ در آئینه پژوهش، شماره دوازده، ص ۱۰۹-۱۳۸۵. ۱۴۹ ش.

- اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی بن ابی الفتح، کشف الغمۃ فی معرفه الائمه، قم، رضی، ج ۱ و ۲، ۱۴۲۱ ق.
- البلبکی، روحی، فرهنگ عربی و فارسی، ترجمه محمد مقدس، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۷ ش.
- ایرجی، محمدصادق، بردگی در اسلام، با مقدمه علامه طباطبائی، تهران، کتابفروشی محمدی.
- برقی، احمد بن محمد، رجال برقی، مصحح حسن مصطفوی، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ ش.
- بروجدی، حسین، جامع احادیث الشیعۃ، ج ۲۴، تهران، انتشارات فرهنگ سبز، ۱۳۶۸ ش.
- جوده، جمال، اوضاع اجتماعی و اقتصادی موالی در صدر اسلام، مترجم مصطفی جباری و مسلم زمانی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۲ ش.
- حسینی، محمدمرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۵، چاپ اول، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ م.
- دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، زیر نظر دکتر محمد معین و سیدجعفر شهیدی،
- ص: ۳۶۷
- تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲ ش.
- دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود، الأخبار الطوال، تحقیق عبدالمنعم عامر، قم: منشورات الرضی، ۱۳۶۸ ش.
- راوندی، قطب‌الدین، الخرائج و الجرائح، ج ۱-۳، چاپ اول، قم، مدرسه الإمام المهدی، ۱۴۰۹ ق.
- زیدان، جرجی، تاریخ تمدن اسلامی، ترجمه علی جواهر کلام، چاپ هشتم، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۲ ش.
- شبلنجی، مؤمن بن حسن، نور الأبصار فی مناقب آل بیت النبی المختار، قم، رضی.
- شعرانی، ابوالحسن، تبصرۃ المتعلمین فی احکام الدین، چاپ پنجم، ج ۲، تهران: منشورات اسلامیة، ۱۴۱۹ ق.
- صلواتی، فضل‌الله، تحلیلی از زندگانی و دوران امام محمدتقی (ع)، چاپ اول، اصفهان، خرد، ۱۳۶۴ ش.
- طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری بأعلام الهدی، قم، آل‌البیت، ۱۴۱۷ ق.

طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ الأمم و الملوك، تحقیق محمدابوالفضل ابراهیم، ج ۳ و ۵ و ۸، بیروت، دارالتراث، ۱۳۷۸ ش.

طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، رجال طوسی، مصحح جواد قیومی، چاپ سوم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۷۳ ش.

قربانی، زین العابدین، اسلام و حقوق بشر، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۲ ش.

کلینی، محمد بن یعقوب، گزیده کافی، ترجمه محمدباقر بهبودی، ج ۵، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۳ ش.

مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، چاپ دوم، ج ۵۰، تهران، اسلامیه، ۱۳۶۳ ش.

مستوفی، حمدالله، تاریخ گزیده، تحقیق عبدالحسین نوایی، تهران: امیرکبیر،

ص: ۳۶۸

ش. ۱۳۶۴

مسعودی، ابوالحسن علی، مروج الذهب و معادن الجواهر، چاپ دوم، ج ۲ و ۴، تحقیق اسعد داغر، قم: دارالهجره، ۱۴۰۹ ق.

----- اثبات الوصیه للإمام علی بن ابی طالب، چاپ دوم، قم: انصاریان، ۱۴۲۶ م.

مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، چاپ اول، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.

ممتحن، حسین علی، نهضت شعوبیه، چاپ دوم، بی جا، باورداران، ۱۳۶۸ ش.

نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی (فهرست أسماء مصنفی الشیعه)، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجامعه المدرسین، ۱۳۶۵ ش.

یعقوبی، احمد بن یعقوب ابن واضح، تاریخ یعقوبی، ج ۲، بیروت: دارصادر.

واقدي، محمد بن عمر، المغازي، بيروت، مؤسسه أعلمي، ج ١ و ٢، ١٤٠٩ م. ٣٧

ص: ٣٦٩

^{٣٧} همایش سیره و زمانه امام جواد علیه السلام (١٣٩٥: قم)، مجموعه مقالات همایش سیره و زمانه امام جواد علیه السلام، ٣ جلد، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه - قم - ایران، چاپ: ١، ١٣٩٥ ه.ش.